آنتونیا دیمو، از یونان
ترجمهٔ علیرضا خداقلی پور

تعریف پان تورانیسم

در ابتدا لازم است که پان ترکیسم را از پان تورانیسم متمایز نماییم. هدف اولیه پان ترکیسم تلاش برای اتحاد فرهنگی یا فیزیکی میان تمام افرادی است که ریشهٔ ترکی آنها اثبات شده یا منتسب به آن هستند فارغ از اینکه در داخل یا خارج مرزهای امپراتوری عثمانی و پس از آن جمهوری ترکیه ساکن باشند.

در حالیکه تورانیسم که گاهی با عنوان پان تورانیسم از آن یاد می‌شود، هدف اولیهٔ خود را نزدیکی و نهایتاً اتحاد میان افرادی قرارداده است که ریشه آنها به توران باز می‌گردد. در واقع دامنهٔ این نهضت به کلمهٔ فارسی توران که به منطقهٔ شمال‌شرقی ایران (بعدها ترکستان) اطلاق می‌شود، می‌رسد.

پان تورانیسم نهضتی است که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم با هدف اتحاد سیاسی و فرهنگی مردم ترک، تاتار واهالی اورال ساکن در ترکیه و اوراسیا شکل گرفت. در سندی ترکی مربوط به ۱۹۳۲، توران شامل ترکستان، تاتارستان، ازبکستان و مغولستان دانسته شده و مرزهای آن تا چین در شرق، تبت، هند و ایران در جنوب، دشت قبچاق و دریای خزر در غرب، و مجدداً دشت قبچاق در شمال می‌رسیده است؛ در نتیجه باید گفت که تورانیسم نسبت به پان ترکیسم مفهوم گسترده‌تری دارد و حتی مجارها، فنلاندیها و اهالی استونی را نیز در بر می‌گیرد.

حدود نیم قرن پیش از جنگ جهانی اول، تعدادی از مجارها به دنبال ترویج پان

تورانیسم به عنوان ابزاری برای اتحاد ترکها و مجارها علیه اسلاوها و پان اسلاویسم بودند. در واقع تورانیسم به عنوان پاسخی به تهدید اسلاوها در مجارستان محبوبیت بسیار زیادی یافته بود چنانکه نشریه‌ای با عنوان توران در بین سالهای ۱۹۱۳ تا ۱۹۷۰ در مجارستان بصورت منظم منتشر می‌شد. این ایده توجه تعدادی از پان ترکیستها را در ترکیه جلب کرد تا از لفظ توران برای افزایش گستره و شمول قلمرو ترک استفاده نمایند و این در حالی بودکه پیوستگی خود با اقوام غیر ترک را نیز رد می‌کردند. ضیاء گوکالپ یکی از پیشروان توسعه ناسیونالیسم ترک از طریق پان تورانیسم در این زمینه می‌گوید:

«سرزمین مادری ترکها نه ترکیه است و نه ترکستان، سرزمین مادری ترکها قلمرو بزرگ وابدی توران است».

با این حال شخصی که برای اولین بار مفاهیم توران و پان ترکیسم را مطرح کرد، مستشرق و جهانگرد مجار یهودی، «آرمینیوس وامبری» بود که زبانهای آسیای میانه را به خوانندگان بی‌شمار کتب و مقالات خود معرفی نمود. او یک فصل از کتاب معروف خود «گسترهٔ آسیای میانه» راکه در سال ۱۸۶۸ منتشر شد، به توران و تورانیان اختصاص داد.

پان تورانیسم و مسأله شرق

در این بخش دکترین پان تورانیسم در قالب مسأله شرق که بخشی از «بازی بزرگ» قدرتهای اروپایی و امپراتوری روسیه برای کنترل امپراتوری عثمانی محسوب می‌شد، بررسی خواهد شد. سیاست موسوم به بازی بزرگ در دو حوزه انجام می‌شد، در حوزهٔ ترکستان ـ افغانستان که ارتش روسیه بطرف جنوب آن حرکت می‌کردند و انگلیسی‌ها هم سعی داشتند آنها را در شمال افغانستان متوقف کنند و در حوزهٔ ایران که رقابت انگلیس و روسیه برای کسب نفوذ سیاسی و اقتصادی شکل گرفته بود.

تلاقی سیاستهای اروپایی و توسعهٔ آسیایی روسیه به درگیری این کشور با انگلستان که مدافع هند بود، در آسیا منجر شد. با توجه به اینکه انگلستان، تمایلات تزار به تنگه‌های بسفر و داردانل در ترکیه و توسعهٔ روسیه در قفقاز را تهدیدی برای هند فرض می‌کرد، مسأله شرق بعد تازه‌ای به نام رقابت روسیه و انگلیس پیدا کرد، چراکه کنترل روسیه بر روی تنگه‌های بسفر و

داردانل عملاً به حضور نیروی دریایی روسیه در شرق دریای مدیترانه و در نتیجه کانال سوئز که دروازه هندوستان محسوب می‌شد، می‌انجامید. ضمن اینکه حضور روسیه در قفقاز نیز نه تنها عثمانی را که مانعی بر سر راه توسعهٔ روسیه به شمار می‌آمد، تضعیف می‌کرد بلکه قدمی به سمت حمله به هند از طریق ایران تصور می‌شد و از اینروست که مسأله شرق به عنوان بخشی از بازی بزرگ کاملاً توجیه می‌شود.

شکی نیست که منطقه قفقاز در مسأله شرق و بازی قدرتهای بزرگ با یکدیگر ارتباط مستقیم داشتند. دورهٔ اول جنگهای ایران و روس که در ۱۸۱۳ با معاهدهٔ گلستان پایان یافت و دورهٔ دوم جنگهای ایران و روس که در ۱۸۲۸ با معاهدهٔ ترکمانچای و جنگ روسیه و عثمانی در ۱۸۲۸ که با معاهدهٔ آدریانوپل در ۱۸۲۹ پایان یافتند، منجر به توسعهٔ روسیه به سمت جنوب قفقاز و در نتیجه نزدیکی بیشتر به هند شدند. شکست روسیه در جنگ کریمه (۱۸۵۶-۱۸۵۳) که به ادعاهای روسیه در شرق مدیترانه پایان داد، دلیل اصلی تلاش روسیه برای کسب پیروزیهای ساده‌تر در آسیای میانه بود. گسترش روسیه به آسیای میانه در ۱۸۶۴ آغاز شد و تا ۲۰ سال پس از آن ادامه یافت.

اما این مسأله باعث غفلت روسیه از مرزهای عثمانی نشد. دستاوردهای روسیه در جنگ روسیه و عثمانی در سالهای ۱۸۷۷-۱۸۷۵ انگلستان را که نگران قطع راههای ارتباطی خود با هند بود، هوشیارتر ساخت. کنگرهٔ برلین به میزبانی بیسمارک صدراعظم آلمان، در ۱۸۷۸ جزیرهٔ قبرس را به بریتانیا واگذار کرد و با این کار سلطهٔ بریتانیا را در مدیترانه شرقی تضمین کرد.

خیزش آلمان و ورود آن به بازی بزرگ، روسیه و انگلستان را وادار کرد تا زودتر رقابت خود را متوقف کرده و مسأله مرز روسیه و افغانستان را در دههٔ ۱۸۹۰ بامذاکره حل نمایند، چنانکه در ۱۹۰۷ افغانستان به عنوان منطقه حائل تحت نفوذ انگلستان درآمد. آلمان احداث خط‌آهنی از برلین تا پکن را از راه امپراتوری عثمانی مدنظر داشت اما مشکلات و محدودیتهای سیاسی و نظامی باعث تغییر هدف پروژه به راه‌آهن جنوب به سمت بغداد، که باز بخشی از امپراتوری عثمانی بود، گردید.

در واکنش به بازی بزرگ، نهضتی با هدف باز پس‌گیری کنترل سرزمین مادری موسوم به نهضت آزادی ترکستان شکل گرفت. این نهضت تحت‌تأثیر و هدایت افراد شاخصی چون انور

پاشا، ژنرال ارتش عثمانی و داماد خاندان حاکم عثمانی قرار داشت که نه تنها تجربهٔ زیادی در زمینه شرق و بازی بزرگ از طریق تماس با رهبران اروپایی اندوخته بودند، بلکه برنامهٔ سیاسی خاصی نیز برای ترکستان در نظر داشتند. ارتباط انوز با نهضت بسیار عمیق و مهم بود، چراکه او به واسطهٔ حضور دوساله در آلمان به عنوان وابستهٔ نظامی (۱۹۱۱-۱۹۰۹) با آثار «انستیتو مطالعات شرقشناسی» با تأکید ویژه بر عناصر پان تورانیسم آشنایی کافی داشت. در واقع این آلمان بود که سلاطین عثمانی را واداشت تا سیاستهای تورانی را در پیش بگیرند.

چنانکه گفته شد، پان تورانیسم تقریباً همزمان با اشغال تاشکند توسط روسیه در ۱۸۶۵ در اروپا و نه آسیای میانه شکل گرفت. هستهٔ اصلی این نهضت از آنجا بود که اکثریت جمعیت آسیای میانه به گویشهای ترکی صحبت می‌کنند و ریشه‌های تاریخی و هویت مشترک دارند، لذا باید موجودیت واحدی از شرق آسیا تا بسفر، جایی که پایتخت امپراتوری عثمانی [اسلامبول] واقع بود، شکل بگیرد. این دکترین به ترکها نسبت داده می‌شد، از این رو تلاش آلمان برای تحریک رهبری عثمانی برای تعقیب این سیاست پیش و طی جنگ جهانی اول نشانگر تمایل آلمان برای استفادهٔ سیاسی از چنین سلاحی علیه قدرتهای رقیب خصوصاً روسیه از طریق توسل به اتباع ترک خود بود.

پان تورانیسم در انتشارات ترکی

انتشارات زیر نمونه‌هایی در ارتباط با پان تورانیسم است که به جمهوری ترکیه انتقال داده شده‌اند.

شاعر ترکیه‌ای، فؤادشوکرو در ۱۹۳۲ مجموعه‌ای با عنوان «اشعار توران و ترکها» منتشر کرد و در آن به توران بعنوان یک آرمان اشاره کرد و علاقه خود را نسبت به این منطقه ابراز داشت. در ۱۹۳۸ محرّم فیضی طغای برای اهالی ترکستان دربارهٔ «تورانیها و خطوط مهم تاریخ سیاسی آنها» سخنرانی کرد و در آن نه تنها به توران بلکه به توران بزرگ اشاره کرد و بر اساس رهیافت پان ترک حداکثرگرا، بر وحدت توران و لزوم ثبت آن بر روی نقشهٔ سیاسی تأکید نمود.

یک سال بعد ترک‌شناس معروف احمدزکی ولیدی کتابی با نام «ترکستان معاصر و حوادث اخیر آن» چاپ کرد که نه تنها تحلیلی از گذشته و حال ترکستان ارائه می‌کرد بلکه بر

اهمیت آیندهٔ آن در دورنمای جهان نیز تأکید داشت. یکی دیگر از کارهای با ارزش در این زمینه، ترجمه‌ای بود که منیر هیمنه یایلالیگین در ۱۹۳۷ از بخشی از بروشور نیروی دریایی بریتانیا در مورد تورانیان و پان تورانیسم (۱۹۱۸) با عنوان «وضعیت فعلی گروههای ترک و پان ترکیسم» انجام داد. برادران آتسیز و سنجر چاپ ماهنامهٔ «کور سد: نشریهٔ پان ترک» را در آوریل ۱۹۴۷ در آنکارا آغاز کردند. یکی دیگر از مهمترین نمونه‌های این انتشارات کار خوجااوغلو با نام «تورانیسم از نظر ایده‌آلهای بشردوستانه» بود که ایده اصلی آن این بود که تورانیسم باید سرمشقی برای سایرین باشد چراکه این تفکر بسیار صالح و یک ایدئولوژی ضد استبداد و استعمار است.